



عوامل تهدید کننده همگرایی جماعت دعوت و اصلاح با نظام جمهوری اسلامی ایران

غلامرضا بهروزی لک^۱ | رضا پورعلی سرخه دیزج^۲

شماره ۱ (۳۲)

سال ۱۱
بهار ۱۴۰۳

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:
۱۴۰۳/۰۱/۱۰
تاریخ پذیرش:
۱۴۰۳/۰۳/۲۸
صص: ۱-۲۵

چکیده

جماعت دعوت و اصلاح، به‌عنوان یکی از جریان‌های اسلامی و امتداد جنبش اخوان المسلمین در جمهوری اسلامی ایران در حال حاضر حداقل در سطح سیاست اعلامی در همگرایی با نظام ج.ا.ایران به سر می‌برد. با این وجود برخی عوامل اندیشه‌ای و عملکردی می‌توانند تهدید کننده همگرایی مذکور باشند. بنابراین واگرایی جماعت و نظام نسبت به یکدیگر در سال‌ها و دهه‌های آینده، مسأله‌ای است که احتمال وقوع آن به صورت جدی مطرح است. نوشتار حاضر با تکیه بر نظریه مکعب بحران به بررسی مسأله مذکور پرداخته و تبیین عوامل تهدید کننده همگرایی جماعت و نظام را موضوع خود قرار داده است. بر اساس یافته‌های پژوهش، همگرایی مذکور حداقل توسط سه عامل مورد تهدید قرار می‌گیرد: الف) التزام جماعت دعوت و اصلاح به عوامل ساختاری در اندیشه و عملکرد؛ ب) انحصار این گروه در تراژدی‌های گذشته؛ ج) وقته‌ها و دال‌های موجود در گفتمان ایشان.

واژگان کلیدی: جمهوری اسلامی ایران؛ جماعت دعوت و اصلاح؛ همگرایی؛ عوامل تهدید کننده



DOI: 10.27834/CSIW.2403.1386.1.32.2

^۱ استاد گروه علوم سیاسی، عضو هیأت علمی دانشگاه باقرالعلوم (ع)، قم، ایران blak@bou.ac.ir

^۲ دانشجویی علوم سیاسی گرایش جامعه‌شناسی سیاسی دانشگاه باقرالعلوم (ع)، قم، ایران (نویسنده مسئول).
www.pooralirrr@gmail.com

استناد: بهروزی لک، غلامرضا و پورعلی سرخه دیزج، ر. ضا. (۱۴۰۳). عوامل تهدید کننده همگرایی جماعت دعوت و اصلاح با نظام جمهوری اسلامی ایران. بحران پژوهی جهان اسلام، ۱۱(۱)، ۱-۲۵.



این مقاله تحت لایسنس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

مقدمه

سازمان جهانی اخوان المسلمین در سال ۱۹۲۸م توسط حسن البنا در مصر تأسیس شد. این سازمان در عرض چند دهه شاخه‌های خود را در کشورهای مختلف نظیر سوریه، عراق و... تأسیس کرد و در حال حاضر در اکثر کشورهای جهان در حال فعالیت است. جماعت دعوت و اصلاح شاخه ایرانی اخوان المسلمین است. این گروه وابستگی تشکیلاتی خود به اخوان المسلمین عالمی را انکار می‌کند و تنها خود را تابع فکر و اندیشه اخوان معرفی می‌نماید.

اندیشه اخوان به تدریج از اوایل دهه پنجاه شمسی از غرب و جنوب شرق کشور وارد ایران شد و در حال حاضر جماعت دعوت و اصلاح حداقل در سیزده استان و ۶۱ شهر دارای شعبه و دفتر است و به صورت شبه رسمی به کنشگری در حوزه‌های مختلف فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و... می‌پردازد. این جماعت در سیاست‌های اعلامی خویش، التزام خود به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را اعلام کرده و خود را متلزم به فعالیت در چهارچوب قانون می‌داند. با این وجود برخی از عوامل اندیشه‌ای و عملکردی تهدید کننده همگرایی موجود میان جماعت دعوت و اصلاح و نظام جمهوری اسلامی ایران می‌باشند. عواملی که می‌توانند در سال‌ها و دهه‌های آینده همگرایی کنونی را به واگرایی تبدیل نمایند. پژوهش حاضر با تکیه بر داده‌های علمی و با بهره‌گیری از نظریه مکعب بحران سعی در تبیین عوامل مذکور دارد. قطعاً شناسایی این عوامل و مدیریت استراتژیک آن‌ها می‌تواند از واگرایی جماعت دعوت و اصلاح و نظام ج.ا.ایران نسبت به یک‌دیگر در سال‌ها و دهه‌های آینده، ممانعت به عمل آورد و موجب تقویت همگرایی کنونی گردد.

۱- پیشینه تحقیق

در مورد جماعت دعوت و اصلاح برخی پژوهش‌های محدود صورت گرفته است. از باب نمونه می‌توان به موارد آتی اشاره کرد: الف. خبات رسول‌پور (۱۳۹۲ش) در پایان نامه کارشناسی ارشد «تبیین جامعه شناختی شکل‌گیری جماعت دعوت و اصلاح ایران و تحول گفتمان آن». ب. محسن عبادی (۱۳۹۱ش) در پایان نامه کارشناسی ارشد «مطالعه جامعه شناختی جماعت دعوت و اصلاح ایران». ج. بهروز محمدی (۱۳۹۴ش) پایان نامه کارشناسی ارشد «مطالعه کیفی کنش سیاسی و سیاسی شدن مذهب در کردستان؛ مورد مطالعه جماعت دعوت و اصلاح در شهر سنندج». د. متین

نشریه علمی بحران پژوهی جهان اسلام

لطفی (۱۳۹۶ش) پایان نامه کارشناسی ارشد «شناسایی عوامل مؤثر بر تحول سازمانی در سازمان‌های مردم نهاد؛ مطالعه موردی جماعت دعوت و اصلاح».

اما در وجه تمایز پژوهش حاضر با پژوهش‌های مذکور باید گفت: هیچ یک از پژوهش‌های پیشین، بررسی و تبیین عوامل تهدید کننده همگرایی جماعت دعوت و اصلاح با نظام ج.ا.ایران را رسالت خود ندانسته‌اند. بنابراین نوشتار حاضر تنها پژوهشی است که با استناد به داده‌های علمی سعی در ارائه پاسخ به سؤال مذکور دارد.

۲- مفاهیم و ادبیات نظری پژوهش

اخوان المسلمین، اخوان المسلمین ایران و جماعت دعوت و اصلاح از جمله مفاهیمی هستند که قبل از ورود به بحث باید تبیینی از آن‌ها ارائه گردد:

۲-۱- اخوان المسلمین

سازمان اخوان المسلمین در سال ۱۹۲۸م (۱۳۰۶ش) در منطقه اسماعیله مصر توسط حسن البنا تأسیس شد (Richard, 2016: 1: 92). این سازمان در اندک مدتی به یک سازمان جهانی تبدیل شد و شعبه‌هایی از آن در کشورهای نظیر سوریه، فلسطین، اردن و... ایجاد شدند (Hosseini, 1998: 137).

دغدغه اصلی حسن البنا، سید قطب و همفکران ایشان تقویت جهان اسلام در برابر سایر بازیگران به ویژه جهان غرب و در نهایت ایجاد و ساخت تمدن نوین اسلامی بود (Albana, 1990: 100-103). بر اساس این تفکر جریان‌های موجود در جهان اسلام باید اختلافات درونی را کنار می گذاشتند و در ساحت اندیشه و عمل بر اموری تمرکز می کردند که هژمونی بازیگران رقیب به ویژه جهان غرب را از بین می بردند. در همین راستا حسن البنا هنگام معرفی خوانش اخوان المسلمین، در عین تأکید بر ماهیت صوفی اخوان بر ماهیت سلفی آن نیز تأکید می کند (Albana, 1990: 174)، چرا که صوفی و سلفی باید اختلافات درونی را کنار بگذارند و در ساحت اندیشه و عمل بر اموری تمرکز کنند که موجب تقویت جهان اسلام در برابر جهان غرب و سایر بازیگران رقیب است. همچنین بر اساس همین تفکر است که بعد از ترور حسن البنا، برخی از شخصیت‌های تأثیرگذار اخوان به نمایندگی از مکتب ارشاد، از آیت‌الله کاشانی^(ره) درخواست می کنند که رهبری سازمان جهانی اخوان المسلمین

عوامل تهدید کننده همگرایی جماعت دعوت و اصلاح با نظام جمهوری اسلامی ایران

را بپذیرد (Khosrowshahi, 2023). ارتباط تنگاتنگ رهبران فدائیان اسلام و شهید نواب صفوی با رهبران اخوان المسلمین نیز در همین چهارچوب قابل ارزیابی و تحلیل است (Khosrowshahi, 2023). البته همگرایی رهبران شیعه و اخوان اختصاص به دوران مبارزه و پیش از انقلاب ندارد و در سال ۱۳۸۳ش و بعد از گذشت حدود بیست و پنج سال از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، یوسف ندا (از رهبران سازمان اخوان المسلمین) در مصاحبه‌ای که با شبکه الجزیره، انقلاب اسلامی ایران و اخوان المسلمین را بسان دو رودی معرفی کرد که به دریای واحدی ریخته می‌شوند (Ahmad, 2022).

واقعیت این است که حسن البنا با جهان اسلامی مواجه بود که تنوع و تکثر بسیاری را در خود جای داده بود. در چنین فضایی وی با هدف مدیریت واحد جهان اسلام و ایجاد تمدن نوین اسلامی، گفتمانی بسیار فراگیر ارائه داد و تا جای ممکن تنوع موجود در جهان اسلام را به رسمیت شناخت (Albana, 1990:174). اما از آنجایی که چنین تنوعی می‌توانست موجب فعال شدن گسل‌ها و شکاف‌ها در جهان اسلام شود، وی اقدام به ساخت هویت واحدی تحت عنوان «اخوان المسلمین» کرد. از این رو «الاسلام هو الحل» (پابندی به اسلام صحیح در تمامی شئون زندگی تنها راه نجات جهان اسلام است) را دال مرکزی گفتمان خود قرار داد (Albana, 1990: 188). «اسلام سیاسی» (حضور اسلام در حوزه عمومی و فردی و نیز تشکیل حکومت اسلامی و تمدن اسلامی) (Albana, 1990: 310-312)، «تقریب و وحدت» (Albana, 1990: 195) و «استکبار ستیزی» (Albana, 1990: 204-206) را نیز سه وقته اصلی گفتمان مذکور معرفی کرد. همچنین سایر مباحث (گرایش‌های مختلف فکری در جهان اسلام) را تا جای ممکن تعدیل نمود و به‌عنوان زیر وقته در گفتمان خود جای داد (Albana, 1990:174).

ارائه چنین مفصل بندی برای گفتمان اخوان المسلمین توسط حسن البنا، سبب شد که مخاطبان صوفی، سلفی و... در عین اعتقاد به حقانیت افکار و اندیشه‌های خود، به خاطر مصلحت بالاتر (نجات جهان اسلام از طریق پابندی به اسلام صحیح در تمامی شئون زندگی به‌ویژه در سه محور اسلام سیاسی، تقریب و استکبار ستیزی)، اندکی ایدئولوژی خود را تعدیل کرده و از اولویت آن بکاهند و در نتیجه تحت هویت واحدی با عنوان اخوان المسلمین جمع شوند. نکته اشتراک همه این گرایش‌ها،

اعتقاد به اولویت مسأله «نجات جهان اسلام از طریق پابندی به اسلام صحیح به‌ویژه در سه حوزه اسلام سیاسی، تقریب و استکبارستیزی» بود.

۲-۲- اخوان المسلمین ایران

در اوایل دهه پنجاه شمسی اندیشه اخوان همزمان از غرب و جنوب شرق کشور وارد ایران شد. در غرب کشور شخصیت‌های اخوانی عراق (اعم از کرد و عرب) به‌ویژه ماموستاهای ایرانی که برای تحصیل به کردستان عراق مهاجرت کرده بودند، به تدریج در چهار مرحله به ایران مهاجرت کردند و تشکیلات اخوان المسلمین ایران را ایجاد کردند (Abad, 2011; Rasoolpour, 2013: 227-236). در جنوب شرق کشور نیز اندیشه اخوان توسط عبدالمنعم اریش (فارغ التحصیل دانشگاه مدینه و برادر رمزی یوسف از رهبران القاعده) وارد ایران شد و شاخه‌ای از اخوان در استان سیستان و بلوچستان و شهرهای سرباز و ایرانشهر شکل گرفت (Dehwari, 2023; Abadi, 2012: 71-72). با اصرار سازمان جهانی اخوان المسلمین، در سال ۱۳۶۸ش اخوان جنوب شرق ایران در اخوان غرب کشور ادغام گردید (Dehwari, 2023). در اواسط دهه پنجاه شمسی و بعد از مرحله اول مهاجرت اخوانی‌های عراق به ایران، سه شاخه از اخوان در غرب کشور شکل گرفت: الف. شاخه اول به رهبری ابراهیم مردوخی در شهرهای مریوان و سنندج و با حضور شخصیت‌هایی نظیر ماموستا علی رحمانی، ماموستا عبدالله ایرانی و حسن حسینی. ب. شاخه دوم به رهبری احمد بهرامی در شهرهای جوانرود و روانسر و با همراهی افرادی نظیر ماموستا محمود امامی، عبدالقادر توحیدی و محمود نادری. ج. شاخه سوم به رهبری ناصر سبحانی در شهر پاوه و با حضور عبدالرحمن یعقوبی (مدیر نشر احسان)، حیدر ضیائی و سید قادر عزیزی (Rasoolpour, 2013: 227-229).

هر سه شاخه مذکور به ویژه شاخه ابراهیم مردوخی تا سال ۱۳۶۱ش به نوعی ذیل بیرق احمد مفتی‌زاده به فعالیت می‌پرداختند (Qureshi, 2020: 76-94; Rasoolpour, 2013: 230-233). در این سال بعد از برگزاری دومین جلسه شورای شمس (شورای مرکزی سنت) بسیاری از شخصیت‌های اصلی اخوان ایران که در فضای شمسی‌گری فعالیت داشتند، یا زندانی و تبعید شدند و یا به یک زندگی مخفیانه روی آوردند (Dehwari, 2022; Rasoolpour, 2013: 236).

عوامل تهدید کننده همگرایی جماعت دعوت و اصلاح با نظام جمهوری اسلامی ایران

بعد از این واقعه، صلاح الدین محمد بهاء الدین (معروف به کاک صلاح) که به تازگی به ایران مهاجرت کرده بود به همراه ناصر سبحانی که در آن زمان به صورت مخفیانه زندگی می کرد، تشکیلات زیرزمینی اخوان المسلمین ایران را تأسیس کرد (Qureshi, 2020: 76-77). این تشکیلات تا سال ۱۳۶۷ش به صورت مخفی و زیرزمینی به فعالیت خود ادامه داد. در این سال ناصر سبحانی دستگیر شد و کاک صلاح به عراق عودت داده اشد (Abadi, 2012: 75-77; Qureshi, 2020: 76-77).

بعد از انحلال تشکیلات زیر زمینی اخوان المسلمین ایران، رهبران این جریان به رایزنی با مسئولین وقت کشور (حجت الاسلام علی فلاحیان وزیر اطلاعات، حجت الاسلام محمد ری شهری دادستان دادگاه ویژه روحانیت و حجت الاسلام مرتضی مقتدائی دادستان کل کشور) اقدام کردند (Abadi, 2012: 75-77). با چراغ سبز برخی از مسئولین، فعالیت اخوان ایران از حالت مخفیانه و زیر زمینی به حالت نیمه علنی درآمد، به این معنا که مسئولین وقت کشور از وجود تشکیلاتی به نام اخوان ایران و فعالیت آن در کشور اطلاع داشتند، اما این تشکیلات در مجامع عمومی اعلام موجودیت نکرده بود (Abadi, 2012: 75-77).

فعالیت اخوان ایران به صورت نیمه علنی تا سال ۱۳۷۳ش ادامه یافت. در خرداد این سال حادثه بمب گذاری در حرم مطهر رضوی روی داد. به دنبال این حادثه برخی از اعضای بلوچستانی اخوان ایران، دستگیر و راهی زندان شدند (Rasoolpour, 2013: 244-247).

عبدالرحمن پیرانی (دبیرکل جماعت دعوت و اصلاح) بر این باور است که حادثه مذکور و دستگیر شدن برخی از اعضای بلوچستانی اخوان ایران تنها موجب کند شدن حرکت اخوان در بلوچستان شد و بر روند کلی حرکت این گروه تاثیری نگذاشت (Rasoolpour, 2013: 244-247). در مقابل محمد حسینی ادعا کرده است که بعد از این حادثه اخوان ایران به تعطیلی فعالیت خود اقدام کرد (Rasoolpour, 2013: 244-247).

به هر حال با روی کار آمدن دولت محمد خاتمی در دوم خرداد ۱۳۷۶ش، اخوان ایران به حکومت و جبهه اصلاحات نزدیک شد و تلاش کرد به صورت رسمی و قانونی در کشور فعالیت کند. از آن تاریخ این تشکل به مرور فعالیت خود را به حالت شبه رسمی درآورد و به صورت کاملاً

آشکار به فعالیت در حوزه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و... پرداخت (Qureshi, 2020: 76-77).

۲-۳. جماعت دعوت و اصلاح

اخوان المسلمین ایران در سال ۱۳۸۰ش اولین کنگره علنی خود را در تهران برگزار کرد. در این کنگره نام تشکیلات که تا آن زمان به اخوان المسلمین ایران شناخته می‌شد، تغییر داده شد. اصلاح، اصطلاحی اخوانی است و تعدادی از تشکل‌ها در سایر کشورها تحت عنوان جمعیت اصلاح، جماعت اصلاح و... در حال فعالیت هستند. همین مساله سبب شد که اخوان المسلمین ایران نیز عنوان «جماعت دعوت و اصلاح ایران» را بر خود برگزینند.

جماعت دعوت و اصلاح منکر رابطه ارگانیک و تشکیلاتی خود با سازمانی جهانی اخوان المسلمین است. عبدالرحمن پیرانی (دبیرکل فعلی جماعت دعوت و اصلاح) در مصاحبه‌ای با روزنامه الشرق الاوسط منکر ارتباط تشکیلاتی جماعت با اخوان المسلمین شده و ابراز داشته است که میان ایشان تنها ارتباط فکری برقرار است (Khalid, 2022).

به اذعان افرادی که در فضای فکری و تشکیلاتی جماعت دعوت و اصلاح تنفس کرده‌اند، اخوان ایران از ابتدای شکل‌گیری به عنوان شاخه‌ای از سازمان جهانی اخوان المسلمین، ارتباط تشکیلاتی با این سازمان داشته است، به گونه‌ای که عنوان اخوان المسلمین ایران نیز ناظر بر همین پیوند بوده است. در اواسط دهه ۷۰ شمسی، کردهای اخوانی عراق، با تاسیس حزب اتحاد اسلامی برای خود تشکیلاتی مستقل ایجاد کردند و از اخوان المسلمین عراق جدا شدند. همین مساله مشوقی شد تا یاران سابق اخوانی ایشان در ایران نیز به فکر استقلال تشکیلات خود بیفتند. از طرفی دیگر بافت متفاوت اجتماعی، فرهنگی و سیاسی اهل سنت ایران با اخوان المسلمین در کشورهای عربی، ضرورت استقلال و بومی‌اندیشی را برای تشکیلات اخوان ایران دوچندان می‌کرد (Rasoolpour, 2013: 247-250).

به هر حال جماعت دعوت و اصلاح بعد از برگزاری اولین کنگره علنی خود در سال ۱۳۸۰ش، نخستین اعلام موجودیت و بیان موضع رسمی را در سال ۱۳۸۴ش و با انتشار بیانیه‌ای پیرامون انتخابات ریاست جمهوری انجام داد. این گروه در حال حاضر نیز حداقل در سیزده استان و ۶۱ شهر دارای

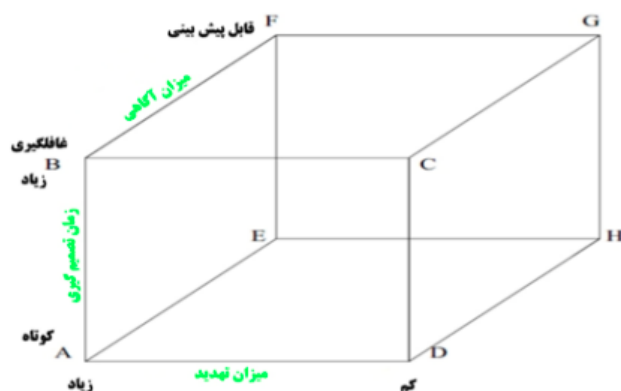
عوامل تهدید کننده همگرایی جماعت دعوت و اصلاح با نظام جمهوری اسلامی ایران

شعبه و دفتر است و به صورت کاملاً آشکار و شبه رسمی به کنشگری در حوزه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و... می‌پردازد.

۳- چارچوب نظری

عمده مباحث در پژوهش حاضر بر اساس نظریه مکعب بحران مورد بررسی و تبیین قرار خواهند گرفت (Harman, 1979: 55-75). البته در برخی موارد جزئی از روش‌ها و نظریات دیگری نظیر «نظریه بیوستگی جیمز روزنا»، «روش تحلیل گفتمان موفه و لاکلا»، «روش تحلیل روند» و... نیز بهره گرفته خواهد شد. در مکعب بحران معمولاً سه ویژگی اصلی مورد توجه قرار می‌گیرند و بر اساس آن‌ها میزان مخاطره‌آمیز بودن موضوع مشخص می‌گردد. ویژگی‌های مذکور عبارت‌اند از: تهدید، آگاهی و زمان. در مقوله تهدید از دو متغیر خفیف و شدید استفاده می‌شود (Harman, 1979: 55-75). در واقع هرچه ارزش مورد تهدید اساسی‌تر بوده و تهدید متوجه آن شدیدتر و جدی‌تر باشد، احتمال بحران تلقی کردن یک حادثه هم بیشتر خواهد بود (Hosseini, 2006: 26). در حوزه آگاهی نیز، از دو متغیر «قابل پیش‌بینی» و «غافل‌گیری» استفاده می‌شود. غافلگیری به معنای وقوع تهدید در زمانی است که انتظار آن را نداریم (Hosseini, 2006: 32). در مقابل «قابل پیش‌بینی» نیز به حالتی اطلاق می‌گردد زمان وقوع تهدید از قبل قابل تخمین باشد. در مورد ویژگی سوم یعنی «زمان» نیز باید گفت: مراد از زمان محدودیت زمانی برای تصمیم‌گیری است. هرچه زمان برای تصمیم‌گیری و اقدام بیشتر باشد، میزان بحرانی بودن موضوع کمتر است. در مقابل به میزان محدود شدن زمان تصمیم‌گیری و اقدام، شدت بحران افزایش می‌یابد (Roberts, 1988: 80).

نشریه علمی بحران پژوهی جهان اسلام



نمودار-۱. مکعب بحران (منبع: نگارنده)

در مجموع برآیند سه ویژگی مذکور، درجه خطر را مشخص می‌سازد که چنین وضعیتی را هرمن در قالب هشت وضعیت احتمالی که حاصل ترکیب متفاوت از این سه ویژگی است، بیان می‌کند.

جدول-۱. هشت وضعیت احتمالی که حاصل ترکیب‌های متفاوت از سه ویژگی است

نقاط	نوع بحران	تهدید	زمان تصمیم گیری	آگاهی
A	کاملاً بحرانی	شدید	کوتاه	غافلگیرانه
B	نوظهور	شدید	بلند	غافلگیرانه
C	کند (بطی)	خفیف	بلند	غافلگیرانه
D	ویژه (موردی)	خفیف	کوتاه	غافلگیرانه
E	انعکاسی	شدید	کوتاه	پیش بینی شده
F	برنامه‌ای	شدید	بلند	پیش بینی شده
G	عادی	خفیف	بلند	پیش بینی شده
H	اداری	خفیف	کوتاه	پیش بینی شده

(Hermann, 1979: 59)

با توجه به آنچه گفته شد، جماعت دعوت و اصلاح حداقل در سطح سیاست اعلامی در همگرایی با نظام جمهوری اسلامی ایران به سر می‌برد و خود را متلزم به عمل در چهارچوب قانون می‌داند. با این وجود همگرایی کنونی این گروه با نظام جمهوری اسلامی ایران توسط برخی عوامل

عوامل تهدید کننده همگرایی جماعت دعوت و اصلاح با نظام جمهوری اسلامی ایران

مورد تهدید قرار می‌گیرند که بی‌توجهی به آن‌ها می‌تواند آن را به واگرایی تبدیل سازد. بنابراین واگرایی جماعت دعوت و اصلاح و نظام جمهوری اسلامی ایران نسبت به یکدیگر در سال‌ها و دهه‌های آینده، مسأله‌ای است که احتمال وقوع آن وجود دارد.

مسأله مذکور (واگرایی جماعت و نظام نسبت به یکدیگر در سال‌ها و دهه‌های آینده) بر اساس نظریه مکعب بحران در وضعیت «بحران برنامه‌ای» قرار دارد. به این معنا که: الف. به لحاظ مولفه تهدید؛ با توجه به اهمیت همگرایی جماعت و نظام جمهوری اسلامی ایران با یکدیگر و نیز با عنایت به اینکه همگرایی مذکور توسط عواملی جدی در معرض تهدید است، مولفه تهدید در سطح شدید قرار دارد. ب. به لحاظ مولفه زمان؛ با توجه به اینکه هنوز فرصت و زمان کافی برای اتخاذ و انجام تصمیمات و اقدامات لازم جهت ممانعت از تحقق مسأله مذکور (واگرایی جماعت و نظام نسبت به یکدیگر) وجود دارد، مولفه زمان در سطح بلند قرار دارد. ج. به لحاظ مولفه آگاهی؛ با عنایت به اینکه واگرایی جماعت و نظام ج.ا.ایران نسبت به یکدیگر یک مسأله قابل پیش بینی است، مولفه آگاهی در سطح قابل پیش بینی قرار دارد.

بنابراین با هدف ممانعت از تغییر وضعیت مسأله مذکور (واگرایی جماعت و نظام نسبت به یکدیگر در سال‌ها و دهه‌های آینده) از حالت «بحران برنامه‌ای» (تهدید: شدید، زمان: بلند، آگاهی: قابل پیش بینی) به حالت «کاملاً بحرانی» (تهدید: شدید، زمان: کوتاه، آگاهی: غافلگیری) باید آن را در سه سطح ماهیت بحران، آثار بحران و کنترل و خروج از بحران، مورد مطالعه قرار داد.

در سطح ماهیت بحران باید چستی و چرایی مسأله مذکور را مورد بررسی و مطالعه قرار داد. در سطح آثار بحران نیز باید به بحث درباره آثار و پیامدهای واگرایی جماعت از نظام جمهوری اسلامی ایران بر فضای فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و... کشور پرداخت. در سطح آخر و در مبحث کنترل و خروج از بحران نیز باید راهبردها و راهکارهای ممانعت از واگرایی جماعت و نظام جمهوری اسلامی ایران نسبت به یکدیگر را مورد بررسی و تبیین قرار داد.

از آنجایی که بررسی و مطالعه مسأله مذکور (واگرایی جماعت و نظام نسبت به یکدیگر در سال‌های و دهه‌های آینده) در سطوح سه‌گانه مذکور از حوصله این نوشتار خارج است، پژوهش حاضر این مسأله را تنها در سطح اول، آن هم در بعد چرایی (نه چستی) مورد مطالعه و پژوهش قرار

نشریه علمی بحران پژوهی جهان اسلام

می‌دهد. به همین دلیل به بحث درباره عوامل تهدیدیه کننده همگرایی کنونی جماعت دعوت و اصلاح با نظام جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد.

توضیح بیشتر این که: بر اساس نظریه مکعب بحران برای اتخاذ راهبرد مناسب جهت ممانعت از ارتقای سطح یک بحران باید به مطالعه و پژوهش درباره آن در سه سطح ماهیت بحران، آثار بحران و کنترل و خروج از بحران، پرداخت. با توجه به این مسأله، «واگرایی جماعت دعوت و اصلاح نسبت به نظام جمهوری اسلامی ایران در سال‌ها و دهه‌های آینده»، بحرانی است که برای اتخاذ راهبرد مناسب جهت ممانعت از ارتقای سطح آن، باید آن را در سطوح سه‌گانه مذکور مورد مطالعه و بررسی قرار داد. اما از آنجایی که چنین پژوهشی از حوصله این نوشتار خارج است، در پژوهش حاضر تنها به بحث درباره ماهیت بحران پرداخته خواهد شد و سایر ابعاد، در مقالات آتی مورد توجه قرار خواهند گرفت.

همچنین در حوزه ماهیت بحران، باید به دو مسأله توجه داشت: الف. چیستی بحران. ب. چرایی بحران. در بحث چیستی، باید به شرح و تبیین ابعاد مختلف سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و... و اگرایی جماعت دعوت و اصلاح نسبت به نظام جمهوری اسلامی ایران در سال‌ها و دهه‌های آینده، پرداخت. در حوزه چرایی نیز باید به بحث درباره اموری پرداخت که سبب می‌شوند جماعت مذکور در سال‌ها و دهه‌های آینده به و اگرایی با نظام جمهوری اسلامی ایران روی آورد. طبیعتاً پرداختن به دو حوزه مذکور باز از حوصله یک مقاله علمی خارج است، بنابراین در پژوهش حاضر تنها به شرح و تبیین عوامل و اگرایی جماعت دعوت و اصلاح نسبت به نظام ج.ا.ایران در سال‌ها و دهه‌های آینده پرداخته خواهد شد، که از آن‌ها با عنوان «عوامل تهدیدیه کننده همگرایی جماعت دعوت و اصلاح با نظام جمهوری اسلامی ایران» تعبیر می‌شود.

۴- عوامل تهدیدیه کننده همگرایی

بر اساس یافته‌های پژوهش، همگرایی کنونی جماعت دعوت و اصلاح با نظام ج.ا.ایران حداقل توسط سه عامل تهدیدیه می‌شوند:

۴-۱- التزام جماعت به عوامل ساختاری در اندیشه و عملکرد

عوامل تهدید کننده همگرایی جماعت دعوت و اصلاح با نظام جمهوری اسلامی ایران

تبعیت از عوامل ساختاری را می‌توان از جمله روندهای حاکم بر اندیشه و عملکرد جماعت دعوت و اصلاح از ابتدای تاسیس تاکنون دانست. مروری اجمالی به تاریخچه جماعت دعوت و اصلاح ما را به این واقعیت می‌رساند که جماعت بیش از آن به دنبال تاثیرگذاری بر ساختار و همراه ساختن آن با اندیشه و عملکرد خویش باشد، سعی در تطبیق خود با ساختار و فضای دینی-سیاسی کشور داشته است. چنان که یکی از اعضای جماعت دعوت و اصلاح (فرد ۴۳ ساله و دانشجوی دکتری) اظهار می‌دارد: «چون ما در درون نظام جمهوری اسلامی ایران زندگی می‌کنیم و قدرت و توان مقابله نداریم، به عنوان یک کانال ارتباطی و آشتی دهنده عمل می‌کنیم» (Kadirzadeh, 2017: 157). یا فرد دیگری از اعضای این گروه (فرد ۴۲ ساله و دارای مدرک کارشناسی ارشد) می‌گوید: «چون ما در درون نظام جمهوری اسلامی ایران در اقلیت قرار داریم، رفتارهای تنش‌آمیز چندان صحیح نیست و باعث منزوی شدن ما می‌شود» (Kadirzadeh, 2017: 157). با وجود چنین رویه‌ای، این احتمال به صورت پررنگ و برجسته وجود دارد که جماعت متناسب با تغییراتی که در ساختار (فضای دینی-سیاسی کشور) ایجاد می‌شود، از همگرایی به واگرایی با نظام روی آورد.

واقعیت این است که اندیشه و عملکرد جماعت دعوت و اصلاح در طول پنجاه سال فعالیت خود در سپهر دینی و سیاسی ایران، متناسب با تحولات ایجاد شده در ساختار (فضای دینی-سیاسی کشور)، دچار تحولات متعدد و در برخی موارد عمیق و بنیادین شده است و به قول جمیل قریشی جماعت دعوت و اصلاح بر اساس وضعیت جامعه برنامه ریزی می‌کند (Qureshi, 2020: 80). وجود چنین تحولاتی دو احتمال را در مورد این گروه تقویت می‌کند: الف. همانند کارل مارکس و پیروان مارکسیست او که صرفاً به نارضایتی از وضع موجود و تغییر آن فکر می‌کردند و هیچ ایده‌ای برای وضعیت مطلوب نداشتند (Ritzer, 2015: 65-66)، جماعت دعوت و اصلاح نیز صرفاً می‌داند که از وضعیت موجود ناراضی است و باید تغییراتی در آن ایجاد کند، اما این که وضعیت مطلوب چیست؟ و سؤالاتی از این دست، پاسخی ندارد.

از این رو به راحتی می‌تواند تا جایی که استراتژی «ایجاد تغییر به وسیله افزایش قدرت» تهدید نشود، از عوامل کارگزاری (خواست خود) در اندیشه و عملکرد فاصله بگیرد و به عوامل ساختاری و تطبیق خود با تحولات صورت گرفته در فضای دینی-سیاسی کشور روی آورد. صلاح الدین خدیو در مصاحبه‌ای که امیر ارسلان خضری با او داشته است، به این مساله اشاره کرده و می‌گوید:

نشریه علمی بحران پژوهی جهان اسلام

«بخشی از دلایل عدم موفقیت، همانطور که اشاره کردم برمی گردد به اینکه جماعت از نظر سیاسی هنوز به ثبات فکری و سازمانی نرسیده است» (Khazri, 2024). ب. دغدغه جماعت دعوت و اصلاح فراتر از کسب قدرت و توان ایجاد تغییر در فضای دینی - سیاسی ایران است و این گروه جامعه آرمانی و ایده آل خود را ترسیم کرده و در این باره به جمع بندی نیز رسیده است. با این وجود وضعیت مطلوبی که این گروه سعی در دستیابی به آن دارد، دارای الزامات حداقلی است، به گونه‌ای که به آن اجازه می‌دهد تحولات بنیادین و اساسی را در ساحت اندیشه و عمل تجربه کند و این تحولات در تنافی با وضعیت مطلوب و آرمانی ایشان نباشد.

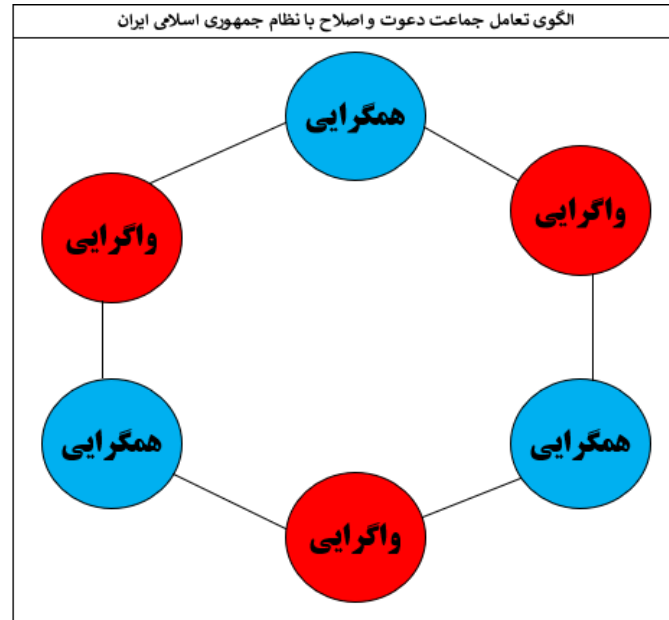
به هر حال خواه منشأ ساختارگرایی جماعت دعوت و اصلاح را بحران فکر، اندیشه، ایدئولوژی و متون در این گروه بدانیم و خواه آن را در حداقلی بودن الزامات ایدئولوژیک ایشان جستجو کنیم، آنچه مهم و مسلم است، این است که جماعت در ساحت اندیشه و عمل به شدت ساختارگراست و وجود چنین روندی در تاریخ پنجاه ساله این گروه حکایت از این دارد که ایشان با بروز تحولات در ساحت دینی و سیاسی کشور (مثلاً به این جمع بندی برسد که حاکمیت در کارکردهای مختلف یک نظام سیاسی مانند یکپارچگی مبتنی بر جامعه پذیری، دستیابی به هدف، حفظ کمون و... دچار ضعف شده است و در نتیجه تفوق سیاسی آن رو به زوال است) ممکن است دچار انعطافی عمیق شود از همگرایی به واگرایی روی آورد. امری که صلاح الدین خدیو نیز تلویحاً به آن اشاره کرده است. به باور وی جماعت برای اینکه متقبل هزینه‌های سنگین نشود، به فعالیت‌های رادیکال در ایران روی نیاورده است (Khazri, 2024).

در هر صورت، برای اثبات ساختارگرایی جماعت دعوت و اصلاح حداقل می‌توان به چهار دلیل و فکت اشاره کرد:

۴-۱-۱- چرخش میان همگرایی و واگرایی در تعامل با نظام ج.ا.ایران

چرخش میان همگرایی و واگرایی در تعامل با نظام ج.ا.ایران را باید یکی از روندهای حاکم بر اندیشه و عملکرد جماعت دعوت و اصلاح (اخوان ایران) در طول پنجاه سال گذشته دانست. در واقع اگر بخواهیم الگوی تعامل جماعت با نظام ج.ا.ایران را ترسیم کنید، به شکل ذیل خواهیم رسید:

عوامل تهدید کننده همگرایی جماعت دعوت و اصلاح با نظام جمهوری اسلامی ایران



نمودار-۱. الگوی تعامل جماعت دعوت و اصلاح با نظام جمهوری اسلامی ایران (منبع: نگارنده)

وجود چنین الگویی در تعامل جماعت دعوت و اصلاح با نظام جمهوری اسلامی ایران، حکایت از ساختارگرایی این گروه دارد.

در توضیح الگوی مذکور باید گفت: پیش از انقلاب اسلامی ایران جماعت دعوت و اصلاح (اخوان المسلمین ایران) تحت لوای احمد مفتی زاده و ناصر سبحانی به عنوان یک جریان اپوزیسیون به مخالفت با رژیم پهلوی می پردازد و تقریباً دارای اشتراک پارادایمی با رهبران انقلاب اسلامی است (Rasoolpour, 2013: 230-233). با این وجود، بلافاصله بعد از یک تغییر ساختاری در کشور (انقلاب اسلامی و سرنگونی رژیم شاه) شکاف میان این جریان و نظام ج.ا.ایران ایجاد می شود، تا جایی که هنوز یک ماه از پیروزی انقلاب اسلامی ایران نگذشته است، برخی از رهبران جماعت تشکیلاتی را تحت عنوان «جمعیت طرفداران حکومت قرآن» راه اندازی می کنند (Rasoolpour, 2013: 230-233) و در امتداد آن به تأسیس شورای شمس در فرودین سال ۱۳۶۰ش مبادرت می ورزند (Qureshi, 2020: 62). در نهایت نیز علرغم مخالفت مسئولین وقت کشور با برگزاری

نشریه علمی بحران پژوهی جهان اسلام

سالگرد شورای شمس، در مرداد ۱۳۶۱ش جلسه دوم شورای شمس برگزار می‌گردد و در نتیجه رهبران جماعت (اخوان ایران) یا زندانی می‌شوند و یا متواری می‌گردند (Dehwari, 2022).

با ورود کاک صلاح و همفکران وی به ایران و تقریباً هنگامی که جماعت (اخوان ایران) بعد از یک همگرایی اولیه در واگرایی با نظام به سر می‌برد، در اثر عوامل ساختاری (مانند رویکرد سلبی مسئولین کشور نسبت به فعالیت‌های اخوان ایران به ویژه مسأله شورای شمس)، حرکت تدریجی برای همگرایی با نظام در میان برخی از شخصیت‌های تاثیرگذار جماعت دعوت و اصلاح (اخوان ایران) شروع می‌شود. این حرکت به برگزاری جلسه‌ای با حضور رهبران برجسته اخوان نظیر ملا کریکار در منزل شیخ علی کورانی یا هتل اروند تهران منجر می‌شود. در این جلسه شخصیت‌های اخوانی مستقر در ایران (اعم از عراقی و ایرانی) به این نتیجه می‌رسند که حزبی را تحت عنوان «جمعیت انصار اسلام» راه اندازی کنند و از نظام ج.ا.ایران تقاضای حمایت اقتصادی و نظامی نمایند. آنها حتی با جواد خالصی معاون نخست وزیر وقت هم ملاقات می‌کنند و مطالبات خود را با ایشان در میان می‌گذارند (Dehwari, 2024; Dehwari, 2022; Abadi, 2012: 71-72).

این دوره همگرایی تقریباً یک سال طول می‌کشد و در سال ۱۳۶۲ش کاک صلاح که بعد از اتفاقات شورای شمس و دستگیری و مخفی شدن افرادی همچون احمد مفتی‌زاده، ناصر سبحانی و...، به مرد شماره یک جماعت دعوت و اصلاح (اخوان ایران) تبدیل شده بود، باز در اثر عوامل ساختاری (عدم پاسخ مسئولین وقت کشور نظیر جواد خالصی به مطالبات حزب «جمعیت انصار الاسلام»، ترس از متهم شدن به تبانی با نظام ج.ا.ایران از سوی جریان‌ها و احزاب رقیب نظیر کمونیست‌ها و...)، به واگرایی با نظام ج.ا.ایران روی می‌آورد و در نتیجه جماعت دعوت و اصلاح (اخوان ایران) به ایجاد تشکیلات مخفی و زیرزمینی در ایران اقدام می‌کند (Qureshi, 2020: 76-77). این واگرایی به حدی بود که کاک صلاح که روزی به فکر تأسیس حزب علنی در ایران و جلب حمایت نظام ج.ا.ایران بود، در سال ۱۳۶۳ش با رهبران قدیمی و عرب اخوان در امارات دیدار می‌کند و موفق می‌شود با جلب نظر ایشان بخشی از منابع مالی را که برای پروژه فتح ایران توسط اخوان اختصاص داده شده بود و مقری نیز برای آن در اردن شکل گرفته بود، به تشکیلات زیرزمینی خود در ایران اختصاص دهد (Abadi, 2012: 71-72).

عوامل تهدید کننده همگرایی جماعت دعوت و اصلاح با نظام جمهوری اسلامی ایران

این دوره واگرایی تا سال ۱۳۶۷ش ادامه پیدا می‌کند، تا این‌که در این سال باز هم در اثر یک تحول ساختاری (اطلاع یافتن دستگاه‌های مربوطه کشور از وجود تشکیلات مخفی و زیرزمینی برای اخوان در ایران)، جماعت به همگرایی با نظام ج.ا.ایران رو می‌آورد. در این راستا رهبران جماعت کمیته‌ای را به ریاست عبدالرحمن پیرانی (دبیر کل فعلی جماعت دعوت و اصلاح) تشکیل می‌دهند و با مسئولین وقت کشور (محمد ری شهری دادستان دادگاه ویژه روحانیت، علی فلاحیان وزیر اطلاعات و مرتضی مقتدائی دادستان کل کشور) دیدار می‌کنند (Abadi, 2012: 75-77). در این دیدارها، مسئولین وقت تقریباً بنا را بر پذیرش جماعت دعوت و اصلاح می‌گذارند (Abadi, 2012: 75-77)، اما باز بنا به ادعای برخی از اعضای جماعت، وجود برخی عوامل ساختاری (چندپاره بودن قدرت در کشور و امکان اعمال قدرت توسط نهادهای مختلف، رویکرد سلبی نهادهای مربوطه کشور نسبت به اعضای جماعت دعوت و اصلاح، ترس از متهم شدن به تبانی با نظام ج.ا.ایران از سوی احزاب رقیب و...) مانع از علنی شدن کامل جماعت دعوت و اصلاح می‌شود و آن‌ها به فعالیت نیمه علنی (مطلع بودن مسئولین وقت کشور از فعالیت‌های ایشان) اکتفا می‌کنند (Rasoolpour, 2013: 243-244).

همگرایی مجدد جماعت دعوت و اصلاح با نظام ج.ا.ایران ادامه داشت، تا این‌که در خرداد ۱۳۷۳ش حادثه انفجار بمب در حرم مطهر امام رضا علیه السلام رخ داد. بعد از این حادثه، برخی از اعضای بلوچستانی جماعت دعوت و اصلاح به اتهام مشارکت در عملیات تروریستی مذکور دستگیر و راهی زندان شدند (Handallah unknown identity, 2020). به اعتقاد برخی از اندیشمندان و تئورسین‌ها، اقدام مسئولین کشور به بازداشت و دستگیری تعدادی از اعضای جماعت در استان سیستان و بلوچستان (به‌عنوان یک عامل ساختاری) سبب شد که جلسه‌ای در منزل حسن قادری در شهرستان پاوه با حضور مسئولین معاونت‌های دانشجویی جماعت در سراسر کشور برگزار شود. مسئولان جماعت در جلسه مذکور به این نتیجه رسیدند که فعالیت جماعت را متوقف کنند (Rasoolpour, 2013: 256). بنابراین به نوعی دوره جدیدی از واگرایی میان جماعت و نظام شروع شد.

واگرایی مذکور تا سال ۱۳۷۶ش ادامه داشت. پیروزی محمد خاتمی در انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶ش به عنوان عامل ساختاری سبب شد که رهبران جماعت دعوت و اصلاح باردیگر به

همگرایی با نظام ج.ا.ایران و فعالیت علنی و رسمی در کشور روی آورند (-76: Qureshi, 2020). تلاش جماعت برای دریافت مجوز فعالیت رسمی از وزارت کشور تاکنون بدون پاسخ مانده است، اما از دوم خرداد ۱۳۷۶ تاکنون جماعت به عنوان یک حزب شبه رسمی به صورت علنی در حال فعالیت در اکثر نقاط کشور است.

حاصل سخن این که: تحلیل روند حاکم بر رویکرد جماعت دعوت و اصلاح نسبت به نظام ج.ا.ایران، حکایت از این دارد که این گروه، یک جریان ساختارگرا است، چرا که الف. به نظر می رسد منشأ تغییر رویکردهای متعدد جماعت نسبت به نظام ج.ا.ایران، عوامل ساختاری بوده است. ب. اساساً با توجه به تفاوت بنیادین همگرایی و واگرایی با یکدیگر، چرخش میان این دو متغیر جز با ساختارگرایی و فاصله گرفتن از عوامل کارگزاری (خواست خود) امکان پذیر نیست.

۴-۱-۲- فقدان رویکرد ثابت در تعامل با سازمان جهانی اخوان المسلمین

الگوی حاکم بر تعامل جماعت دعوت و اصلاح با سازمان جهانی اخوان المسلمین نیز همانند الگوی حاکم بر تعامل این گروه با نظام ج.ا.ایران، چرخش میان همگرایی و واگرایی است. در توضیح الگوی مذکور باید گفت: جماعت دعوت و اصلاح (اخوان المسلمین ایران) کار خود را از عراق و بیعت برخی از بنیانگذاران این گروه نظیر ابراهیم مردوخی، احمد بهرامی و... با سازمان جهانی اخوان المسلمین شروع کرد (Rasoolpour, 2013: 227-229). با این حال بعد از بروز برخی تحولات در کردستان عراق (مانند: منعقد شدن قرارداد الجزایر میان پهلوی دوم و حکومت عراق و نامساعد شدن اوضاع سیاسی کردستان عراق در اثر این قرارداد، حمله عراق به ایران، دستگیر شدن دکتر عصام الراوی توسط حکومت بعث و افشا شدن اطلاعات فعالان اخوان توسط وی، شکل گیری اعتراضات علیه سیاست جابه جایی اجباری شهروندان کرد در منطقه حلبچه و برخورد سخت رژیم بعث با این اعتراضات) (The full text of the 1975 Algerian agreement, 1975; Abadi, 2012: 72-73; Rasoolpour, 2013: 227-236)، بنیانگذاران جماعت در چندین مرحله به ناچار به ایران مهاجرت کردند. آن‌ها بعد از ورود به ایران در مرحله اول مهاجرت، به دلیل برخی عوامل ساختاری (برخورداری احمد مفتی زاده از کاریزما و نفوذ لازم در میان اسلام گرایان کردستان و رهبری جریان اسلام گرای کردستان توسط ایشان) (Abadi, 2012: 74-75) به نوعی از همگرایی اولیه خود با سازمان جهانی اخوان المسلمین فاصله گرفتند و به

عوامل تهدید کننده همگرایی جماعت دعوت و اصلاح با نظام جمهوری اسلامی ایران

همگرایی با احمد مفتی زاده و فعالیت ذیل بیرق ایشان روی آوردند (Quresh, 2020:76-94). احمد مفتی زاده ای که بر اساس برخی اقوال، هیچگاه به عضویت سازمان جهانی اخوان المسلمین در نیامد (Abadi, 2012: 75-77) و حتی در دیدار با برخی از رهبران این سازمان نظیر یوسف ندا، متعرض برخی از سیاست های همگرایانه اخوان با نظام ج.ا.ایران شد (Mansour, 2022). اساساً از نگاه افرادی همچون کاک صلاح که سالیان سال در فضای فکری سازمان اخوان المسلمین تنفس کرده بودند، بنیانگذاران جماعت (اخوان المسلمین ایران) در دوران همگرایی خود با احمد مفتی زاده از رویه ثابت سازمان جهانی اخوان المسلمین فاصله گرفته بودند و به جای فعالیت تربیتی، اولویت خود را به سیاست ورزی در فضای دینی- سیاسی ج.ا.ایران اختصاص داده بودند (Bahrami, 2021). در این دوره، همگرایی جماعت با مفتی زاده به اندازه ای زیاد بود که کاک صلاح با وجود تلاش های زیاد نتوانست آنها را از فضای شمس گری جدا سازند و سرانجام ایشان در کنار احمد مفتی زاده به برگزاری سالگرد شورای شمس در ۱۵ مرداد ۱۳۶۱ اقدام کردند، که موجب زندانی و متواری شدن اکثر بنیانگذاران جماعت دعوت و اصلاح شد (Dehwari, 2022).

بعد از واقعه شورای شمس، در اثر برخی عوامل ساختاری (مخالفت مسئولین وقت کشور با تأسیس و برگزاری شورای شمس، زندانی و متواری شدن بنیانگذاران جماعت دعوت و اصلاح، ورود کاک صلاح به ایران و تبدیل شدن ایشان به رهبری اصلی جماعت دعوت و اصلاح)، جماعت که تا چندی پیش تحت تاثیر شخصیت کاریزمای احمد مفتی زاده به واگرایی با سازمان جهانی اخوان المسلمین روی آورده بود، این بار به کاریزمای موجود در شخصیت کاک صلاح دل بست و تحت مدیریت ایشان به همگرایی با سازمان جهانی اخوان المسلمین روی آورد. این همگرایی تا جایی پیش رفت که کاک صلاح حکم رهبری اخوان ایران را از رهبران سازمان جهانی اخوان دریافت کرد (Abadi, 2012: 71-72)، همچنین این سازمان بخشی از منابع مالی پروژه خود تحت عنوان «فتح ایران» را به اخوان المسلمین ایران اختصاص داد (همان)، جماعت نیز طبق صلاح دید سازمان مذکور فعالیت خود را به دیگر نقاط ایران به ویژه استان سیستان و بلوچستان گسترش داد و سعی در ایجاد پیوند با گروه عبدالمنعم اریش (گروه منسوب به سازمان جهانی اخوان المسلمین که در جنوب شرق ایران شکل گرفته بود) کرد و در نهایت در سال ۱۳۶۸ ش گروه مذکور را در درون خود ادغام کرد (Dehwari, 2024).

نشریه علمی بحران پژوهی جهان اسلام

همگرایی جماعت با سازمان جهانی اخوان المسلمین تا سال ۱۳۶۷ش ادامه داشت. در سال ۱۳۶۷ش تحت تاثیر عوامل ساختاری (مطلع شدن دستگاه‌های مربوطه کشور از فعالیت پنهانی جماعت در ایران و اقدام ایشان به دستگیری و زندانی کردن افرادی نظیر ناصر سبحانی و کاک صلاح) (Abadi, 2012: 75-77؛ Qureshi, 2020: 76-77)، روند واگرایی جماعت از سازمان جهانی اخوان آغاز شد (Abadi, 2012: 75-77) و در ادامه تحت تأثیر برخی عوامل ساختاری دیگر (اهتمام بیشتر سازمان جهانی اخوان به مطالبات عرب‌ها در مقایسه با مطالبات کردها، اعلام استقلال حزب اتحاد اسلامی کردستان عراق از سازمان جهانی اخوان المسلمین در اواسط دهه هفتاد شمسی و...) (Mansour, 2022؛ Rasoolpour, 2013: 247-250) این روند تقویت شد و شدت گرفت (Mansour, 2022؛ Rasoolpour, 2013: 247-250).

در همین راستا، جماعت ابتدا با مسئولین وقت کشور در سال ۱۳۶۸ش دیدار کرد و به آن‌ها اعلام کرد که با سازمان جهانی اخوان المسلمین ارتباط تشکیلاتی ندارد (Abadi, 2012: 75-77). این گروه در ادامه در سال ۱۳۸۰ش در اولین کنگره خویش، نام خود را از اخوان المسلمین ایران به جماعت دعوت و اصلاح تغییر داد (Rasoolpour, 2013: 247-250). بعد از آن در حدود سال ۱۳۸۵ش برنامه تربیتی خود را که مطابق با منهج تربیتی اخوان عراق و سوریه بود، از سه مرحله به شش مرحله افزایش داد و عناوین آن‌ها را نیز از عناوین عربی به عناوین فارسی تبدیل نمود (Rasoolpour, 2013: 252-253). جماعت دعوت و اصلاح از سال ۱۳۶۸ش تاکنون، به‌ویژه بعد از اعلام استقلال حزب اتحاد اسلامی کردستان عراق از اخوان المسلمین جهانی، در واگرایی با اخوان به سر می‌برد.

۴-۱-۳- افزوده شدن مفاهیم و مضامین مرتبط با لیبرالیسم به گفتمان جماعت

مرور اجمالی بر اندیشه و عملکرد جماعت دعوت اصلاح از ابتدای تأسیس تاکنون، ما را به این واقعیت خواهد رساند که جماعت مذکور متناسب با تحولاتی که در بدنه آن ایجاد شده است، دچار تحولات بنیادین ایدئولوژیک شده است.

جماعت تا اواسط دهه شصت یک جریان یک دست با ماهیت حوزوی بود و تقریباً همه اعضای آن دارای تحصیلات حوزوی بودند. از اواسط دهه شصت به‌ویژه از دهه هفتاد شمسی به مرور

عوامل تهدید کننده همگرایی جماعت دعوت و اصلاح با نظام جمهوری اسلامی ایران

دانشجویان به بدنه جماعت دعوت و اصلاح اضافه شدند. با عضویت دانشجویان در جماعت، این گروه که تقریباً تا آن زمان به صورت یک دست تابع اندیشه‌های سنتی و سلفی (متسلفه) خویش بود (Rasoolpour, 2013: 244-247)، به گونه‌ای که حتی می‌توانست به پیوند با عبدالمعظم ایش و گروه او بیندیشد و آن را به اجرا درآورد، به تدریج شاهد بروز و ظهور افکار و اندیشه‌های نزدیک به مکتب لیبرالیسم در ساحت اندیشه و ایدئولوژی خویش شد.

تأثیرپذیری گفتمان جماعت از افکار لیبرالیستی سبب شد که این گروه در اوایل دهه هشتاد شمسی به تغییر نظام بروکراسی خود از حالت انتصابی به انتخابی اقدام کند. همچنین ایشان تحت تأثیر افکار مذکور به مرور (تقریباً از اوایل دهه هشتاد) برخی مفاهیم و مضامین مرتبط با مکتب لیبرالیسم را به آثار خود اضافه کرد.

تأثیرپذیری گفتمان جماعت دعوت و اصلاح از افکار لیبرالیستی به اندازه‌ای زیاد است که بهروز محمدی در پژوهشی تحت عنوان «کنشگری سیاسی اسلام‌گرایان در کردستان؛ مطالعه کیفی جماعت دعوت اصلاح»، ادعا کرده است که بر اساس مصاحبه‌های اخذ شده از حدود ۲۵ نفر از اعضای جماعت دعوت و اصلاح شهرستان سنندج (حداقل با ۷ سال سابقه عضویت)، «مواجهه با ایدئولوژی‌های سیاسی غربی (از تقابل تا تعامل)»، یکی از راهبردهای حاکم بر کنش‌ورزی سیاسی اعضای جماعت دعوت و اصلاح است (Kadirzadeh, 2017: 154). به هر حال، تحولات ایدئولوژیک ایجاد شده در جماعت دعوت و اصلاح تحت تأثیر عوامل ساختاری (به عضویت در آمدن برخی از دانشجویان در جماعت دعوت و اصلاح)، حکایت از این دارد که جماعت مذکور یک جریان و گروه ساختارگرا است و در نتیجه متناسب با تحولات ساختاری حتی می‌تواند از همگرایی به واگرایی با نظام روی آورد.

۴-۱-۴- اظهارات شخصیت‌ها و چهره‌های تاثیر گذار

برخی از شخصیت‌های اصلی و تأثیرگذار جماعت نظیر عبدالرحمن پیرانی، دلیر عباسی و... در ماه‌های اخیر به صورت مکرر بر ضرورت ایجاد تغییر در ساختار سازمانی، ابزارها، مفاهیم، روش‌ها، اهداف، استراتژی و اصول جماعت متناسب با تحولات فکری، فرهنگی و اجتماعی داخلی (پیدایش نسل Z در کشور و نیز حواث اخیر سیاسی) و بین‌المللی (دوران پسا کرونا، جهانی شدن و...) تأکید کرده‌اند (General Secretary of Jamaat: Passing some concepts and Abbasi, 2023).

The Secretary General of the Jamaat Dawat wa Islah met with the officials 'tools.2023 and some members of this organization in West Azerbaijan, 2023). عبدالرحمن پیرانی به صراحت بیان می‌دارد: «عبور از برخی مفاهیم و ابزارها حتی ارزش‌های جمعی و سازمانی امری طبیعی است، زیرا بها و ارزش آنها زمانی و سازمانی بوده و ذاتی و ابدی نیست» (General, Secretary of Jamaat: Passing some concepts and tools. 2023). او واقع بینی را یکی از خصوصیات جماعت در طول پنجاه سال فعالیت این گروه در ایران دانسته است (The Secretary General of the Jamaat Dawat wa Islah met with the officials and some members of this organization in West Azerbaijan, 2023). فارغ از ماهیت و چیستی تغییرات و تحولات مد نظر مسئولان ارشد جماعت دعوت و اصلاح، اظهارات و یادداشت‌های ایشان در خصوص ضرورت تغییر و تحول از ساختارگرایی این گروه حکایت دارد.

۲-۴- جماعت دعوت و اصلاح در انحصار تراژدی‌های گذشته

بر اساس نظریه پیوستگی جیمز روزنا ارزش‌های برجسته حاکم بر اجتماع یکی از عوامل تأثیرگذار بر سیاست‌های کلان دولت‌ها، احزاب، جریان‌ها و... در تعامل با سایر بازیگران است (Dehghani, 2012:13-57). در واقع ارزش‌های شاخص حاکم بر جوامع به عنوان نیروهای پنهان بر تصمیم‌گیری گروه‌ها و خرده گروه‌های رسمی و غیررسمی در تعامل با سایر جریان‌ها و خرده جریان‌ها تأثیر می‌گذارند.

با عنایت به مسأله مذکور، برخی افراد و شخصیت‌ها نظیر ناصر سبحانی برای بسیاری از اعضای جماعت فراتر از یک تئورسین و نظریه پرداز ساده بوده و به نوعی دارای کاریزما و تقدس نزد ایشان هستند. در سایه چنین نگاهی، اندیشه و عملکرد افراد مذکور به عنوان ارزش‌های برجسته و نیروهای پنهان بر تصمیم‌گیری‌های جماعت در تعامل با سایر جریان‌ها و گروه‌ها به ویژه نظام ج.ا.ایران تأثیر می‌گذارند. بنابراین در تحلیل رویکرد کنونی جماعت نسبت به نظام ج.ا.ایران، نباید از تأثیرات منفی رویکرد سلبی مسئولین کشور در دهه پنجاه و شصت شمسی نسبت به اخوان ایران (جماعت دعوت و اصلاح) و برخی از رهبران فکری و تأثیرگذار آن نظیر ناصر سبحانی (Abadi, 2012: 75-77)، غافل شد و در نتیجه این احتمال را در نظر گرفت که همگرایی کنونی جماعت با نظام ج.ا.ایران (حتی همگرایی در حد سیاست اعلامی) می‌تواند آسیب‌پذیر باشد.

عوامل تهدید کننده همگرایی جماعت دعوت و اصلاح با نظام جمهوری اسلامی ایران

به بیانی دیگر، تجربه تاریخی و تراژدی‌هایی که افراد، گروه‌ها و جریان‌ها در طول تاریخ تجربه می‌کند، بر جهت‌گیری‌های کنونی و آینده ایشان تأثیرگذار هستند. بنابراین با توجه به شکاف موجود میان جماعت و نظام ج.ا.ایران تا اواسط دهه هفتاد شمسی (Qureshi, 2020: 76-77)، می‌توان این انتظار را داشت که همگرایی کنونی جماعت با نظام ج.ا.ایران از استحکام لازم برخوردار نباشد.

۵- وقته‌ها و دال‌های موجود در گفتمان

راهبردی نبودن تعامل جماعت دعوت و اصلاح با نظام جمهوری اسلامی ایران، یکی از وقته‌های موجود در گفتمان جماعت دعوت و اصلاح است. شاید نتوان این وقته را به تمامی خرده گفتمان‌های موجود در درون این گروه تسری داد، ولی می‌توان ادعا کرد که بخشی از بدنه ایشان با یک رویکرد ساختارگرایانه، تعامل با نظام ج.ا.ایران را تنها یک راهبرد نمی‌داند و به استراتژی بودن آن اعتقادی ندارد. بنابراین به اعتقاد این افراد در صورت بروز تحولات ساختاری در کشور، جماعت دعوت و اصلاح می‌تواند از همگرایی با نظام ج.ا.ایران (حتی در سطح سیاست اعلامی) به واگرایی با این نهاد سیاسی روی آورد.

نتیجه‌گیری

جماعت دعوت و اصلاح ایران خود را تابع فکر و اندیشه اخوان المسلمین می‌داند. این گروه فعالیت خود را از اوایل دهه پنجاه شمسی در ایران آغاز کرد و در حال حاضر حداقل در ۱۳ استان و ۶۱ شهر به صورت شبه رسمی در حال فعالیت است. با وجود برخی پژوهش‌های محدود درباره این گروه، پژوهش حاضر اولین پژوهشی است که رسالت خود را بررسی و تبیین عوامل تهدید کننده همگرایی کنونی جماعت دعوت و اصلاح با نظام جمهوری اسلامی ایران دانسته است. بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر، همگرایی گروه مذکور با نظام جمهوری اسلامی ایران حداقل توسط سه عامل تهدید می‌گردد:

الف. ساختارگرایی جماعت دعوت و اصلاح؛ چرخش میان همگرایی و واگرایی در تعامل با نظام جمهوری اسلامی ایران، فقدان رویکرد ثابت در تعامل با سازمان جهانی اخوان المسلمین، افزوده شدن مفاهیم و مضامین مرتبط با لیبرالیسم بر گفتمان این گروه و نیز اظهارات و بیانات شخصیت‌ها

نشریه علمی بحران پژوهی جهان اسلام

و چهره‌های تأثیرگذار آن، فکت و ادله‌ای هستند که جماعت دعوت و اصلاح را یک جریان ساختارگرا معرفی می‌نمایند؛ بنابراین این احتمال به صورت جدی مطرح است که در صورت بروز برخی تحولات ساختاری جماعت دعوت و اصلاح از همگرایی کنونی به واگرایی با نظام جمهوری اسلامی ایران روی آورد.

ب. انحصار جماعت دعوت و اصلاح در تراژدی‌های گذشته؛ تجربه تاریخی و تراژدی‌هایی که افراد، گروه‌ها و جریان‌ها در طول تاریخ تجربه می‌کند، بر جهت‌گیری‌های کنونی و آینده ایشان تأثیرگذار هستند. بنابراین با توجه به شکاف موجود میان جماعت و نظام ج.ا.ایران تا اواسط دهه هفتاد شمسی، می‌توان این انتظار را داشت که همگرایی کنونی جماعت با نظام ج.ا.ایران از استحکام لازم برخوردار نباشد.

ج. وقته‌ها و دال‌های موجود در گفتمان جماعت دعوت و اصلاح؛ «تاکتیک بودن تعامل جماعت دعوت و اصلاح با نظام جمهوری اسلامی ایران»، یکی از وقته‌های موجود در گفتمان برخی از خرده جریان‌های موجود در درون جماعت دعوت و اصلاح است، بنابراین بخشی از بدنه این گروه تعامل با نظام جمهوری اسلامی ایران را تنها یک تاکتیک و نه استراتژی می‌دانند و می‌توان این انتظار را داشت که در صورت بروز برخی تحولات ساختاری ایشان از همگرایی به واگرایی با نظام جمهوری اسلامی ایران روی آورند.

Translated References to English

- Abadi, M. (2012). *Sociological study of Iran's Da'wa and Islah Jamaat*. Tehran: Faculty of Social Sciences University of Tehran. (In Persian)
- Abbasi, D. (2023). The necessity of rereading and revising some concepts, tools and methods. *The official site of Jamaat dawat and Islah*. October 7. available at: B2n.ir/s21497. (In Persian)
- Al-Banna, H. (1990). *group of letters*. No place of publication: Dar al-Dawa for publishing, subscribing, and distributing. (In Persian)
- Dehghani, J. (2012). *Foreign policy of the Islamic Republic of Iran*. Tehran: Organization for the study and compilation of university humanities books. (In Persian)
- Dehwari, M.S. (2022). Contemporary Islamic awakening and Muslim Brotherhood movement in Balochistan from sunrise to sunset (oral history of Balochistan) part 10. The website of Afghan intellectuals. December 7. available at: <https://b2n.ir/f24727>. (In Persian)

- Dehwari, M.S. (2023). Contemporary Islamic awakening and Muslim Brotherhood movement in Balochistan from sunrise to sunset (oral history of Balochistan) part 3. Telegram channel of Mohammad Sadiq Dehwari. March 27. available at: <https://t.me/mseddiqdehwari/526>. (In Persian)
- Dehwari, M.S. (2024). Contemporary Islamic awakening and Muslim Brotherhood movement in Balochistan from sunrise to sunset (oral history of Balochistan) part 5. Telegram channel of Mohammad Sadiq Dehwari. March 25. available at: <https://t.me/mseddiqdehwari/528>. (In Persian)
- Hermann, C. (1969). *Crisis in foreign policy: A simulation analysis*. Indianapolis: Bobbs-Merril.
- Hosseinbar, A. (2022). Operation and political strategy of Sunni radical groups in the southeast of Iran: from Chabahar to Nimroz. Taptan. November 2. available at: <http://www.taptan.com/contact-us-2/94-2>. (In Persian)
- Hosseini, I.M. (1998). *Muslim brothers*. Tehran: publication Information. (In Persian)
- Hosseini, S.H. (2006). *What is a crisis and how is it defined*. Security Quarterly. 1 and 2. (In Persian)
- Kadirzadeh, O. (2017). Political activism of Islamists in Kurdistan (Qualitative study of Jamaat Dawat and Islah). *Iranian Journal of Sociology*. 18 (3).1-30 (In Persian)
- Khazri, A.A. (2024). Investigating the sociological base of Jamaat Da'wa and Islah in a conversation with Salahuddin Khadio. The official website of Jamaat Dawat and Islah. March 16. available at: B2n.ir/r72630. (In Persian)
- Khosrowshahi, H. (2023). Muslim Brotherhood and Iran in the passage of history. Brotherhood electronic magazine. March 15. available at: <http://okhowah.com/fa/12449>. (In Persian)
- Mahmoud, K. (2022). Al-Amin al-Jamaa al-Dawa and al-Islah al-Irani: the closest opposition to Elina. Asharq Al-Awsat news base. December 13. available at: B2n.ir/a45390. (In Persian)
- Mansour, A. (2022). The international relations of the Brotherhood as seen by Youssef Nada. Al Jazeera news site. December 14. available at: <https://yun.ir/lcq1f8>. (In Persian)
- Michel, R. (2016). *The Muslim Brotherhood*. Qom: Publications of the University of Religions and Religions. (In Persian)
- Mohammadi, B. (2017). Political activism of Islamists in Kurdistan (qualitative study of Jamaat Dawat and Islah). *Iranian Journal of Sociology*. 18 (3).1-30. (In Persian)
- Qureshi, J. (2020). Typology of Sunni Kurdish Islamist currents in the post-revolution era. Tehran: Faculty of Economics and Political Sciences, Shahid Beheshti University. (In Persian)
- Rasoolpour, K. (2013). *Sociological explanation of the formation of Iran's Da'wa and Islah group (Muslim Brotherhood of Iran) and the evolution of its discourse*. Tehran: Faculty of Literature and Humanities Khwarazmi University. (In Persian)
- Ritzer, G. (2015). *The foundations of contemporary sociological theory and its classical roots*. Tehran: Third Publications. (In Persian)
- Roberts, J. (1988). *Decision making During International crisis*. London: The Macmillan Press.

- The* balochistan way. (2022). Jundallah and unknown identity! Abdulwahid Rigi _ Zahedan. December 8. available at: <https://b2n.ir/a15894>. **(In Persian)**
- The official site of Jamaat dawat and Islah. (2023). Secretary General of Jamaat: passing some concepts and tools. October 7. available at: B2n.ir/x49772. **(In Persian)**
- The official site of Jamaat dawat and Islah. (2023). The Secretary General of the Jamaat Dawat wa Islah met with the officials and some members of this organization in West Azerbaijan. October 7. available at: B2n.ir/h99753. **(In Persian)**
- The Persian Gulf Studies Center. (2022). The full text of the 1975 Algerian agreement. November 3. available at: <http://www.persiangulfstudies.com/fa/pages/216>. **(In Persian)**